

یادداشت

سرگذشت منطقه ما؛ خاورمیانه

مقداد توانبیا

پژوهشگر مسائل ایران و خاورمیانه

سرگذشت منطقه ما، خاورمیانه، در همه زمان‌ها بدین صورت بوده که تاریخ در این نقطه دائم در حال تکرار است و هر دور فلکی، شاهد بازگشت بخشی از حوادث گذشته هستیم؛ روزی به صورت ترازوی و روزی دیگر به اشکال کمدی. ساکنان این اقلیم پرتلاطم که یک سوی آن را مدیترانه فرا گرفته و سوی دیگری را خلیج فارس، اکنون شاهد باتولید هر دو چهره کمیک و تراژیک تاریخ هستند. بخش تراژیک خاورمیانه همان است که امروز به صورت سلسله حوادثی نظیر جنگ آمریکا دو بار به کشور متمدن ایران در یک سال، جنگ قومی و فرقه‌ای، تضاد سنت‌گراها و نوگرایان، مذهبیین و سکولارها، محافظه‌کاران و بنیادگراها و بالاخره نظامیان و سیاسیون از مصر تا سوریه می‌بینیم. هنوز بعد از سال‌ها، حکایت مستشرقین اروپایی از وضع و حال ساکنان خاورمیانه شنیدنی است که ملت‌هایی در این نقطه جهان، بر دریایی از ثروت و انرژی زیست می‌کنند که بهره آنها از آن ثروت بیکران، جز جنگ و کشمکش و تجاوز استعمارگران و ابرقدرت‌ها نیست. دل‌های این مردمان مملو از عشق و تعصب به سه میراث دینی‌شان است. هر سه دین حنیف آنها مأموریت‌شان ساختن جهان عادلانه و امن بود اما مع‌الاسف اکنون یک‌ریز صلح و عدالت در این اقلیم زخمی است و این زادگاه پیامبران صلح و مهربانی، اکنون خصومت و دسیسه شده است. به‌راستی خاورمیانه‌ها هم هنوز میان گذشته پُرغرور و آینده پرابهام بالانگلیف و حیران مانده‌اند. وضعیت امروز سرزمین‌های مصر، سوریه و عراق روایتی از این سردرگمی است. این سه اقلیم خاستگاه سه تمدن بزرگ از کرانه نیل تا بین‌النهرین (دجله و فرات) بوده‌اند. آنها در عین حال طی یک سده اخیر، پایه‌گذار بزرگ‌ترین جنبش‌های آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی شدند. اما شگفتا که هنوز مسئله اصلی آنها، مدنیت و مردم‌سالاری است و همچنان خبر می‌رسد که دور باطل آزادی به هرج‌ومرج و آنا‌رشیسم به استبداد گریبان این ملت‌ها را رها نمی‌کند. اگر خوب به تاریخ خاورمیانه دقت کنیم، روشن خواهد شد «برده دیگر ترازی تاریخ در خاورمیانه، مداخلات خارجی» است که هنوز و همچنین در حال تکرار است. ظاهر ماجرا این است که جنگ‌اندازی بازیگران جهانی بر سرنوشت این ملت‌ها ابعدای تازه یافته است و تکنیک‌ها و ابزارهای سلطه طرف‌های خارجی تغییر کرده اما اهداف و مطالبات همان است که نیم‌قرن پیش در عصر تاخت‌وتاز انگلیسی‌ها و اروپایی‌ها در مصر، عراق و سوریه دیده شده است. قدرت‌های امپراتوری که زمانی سوار بر کشتی‌های قاره‌پیما یخوش این کانون هیدروکربن جهان را درمی‌نودند، اکنون با تکیه بر موج قدرت‌های ساسپاری و رسانه‌ای، پیش می‌تازند. هنوز خاورمیانه در نگاه بازیگران جهانی چون گنج گران‌ی است که در سرزمینی باتلاقی نهفته است. نه سودای گنج آنها را رها می‌کند، نه این بازیگران حاضرند خطرات فرورفتن در این گرداب را به جان بخرند. حاصل آنکه امروز مسئله مشترک آمریکا، اروپا و روسیه و چین این شده که در قسه انقلاب‌های غربی چگونه راه دستیابی به خوان ثروت خاورمیانه را برای آینده هموار و مطمئن کنند. بنابراین هرچه می‌گذرد، پیام‌ها تازه از تاریخ راژگونه خاورمیانه پیش‌روی ما آشکار می‌شود. ناظران جهانی به خطای دید و تحلیل‌خویش اقرار می‌کنند و دولتمردان از پیچیده‌بودن معادلات و مناسبات گروه‌ها و رهبران و پادشاهان این منطقه مرتب می‌نالند. در این میان یک چیز برای همگان مسجحل شده که خاورمیانه قطعه‌ای متفاوت در جغرافیای سیاسی جهان است. قصد دارم در یادداشت‌های منظم از این منظر در زوایای تاریخ خاورمیانه غور کنم با این دغدغه که فقط از رهگذر درک، فهم، اندیشه سوابق و ریشه‌های تاریخی ملت‌ها و دولت‌هاست که می‌توان به دنیای تازه سیاسی و فرهنگ خاورمیانه‌اش راه را یافت. بر این باور و گمان هستم که هنوز بسیاری از فاجعه‌ها و فرصت‌سوزی‌ها در عملکرد بازیگران سیاسی داخل و خارج خاورمیانه، ریشه در جهل یا نادیده‌گرفتن حقیقت تاریخ این سرزمین دارد. این یادداشت‌ها در پی یافتن پاسخی روشن برای این پرسش بنیادین دارد که چرا در زمانه وادع مغرب زمین با پدیده نهضت و انقلاب، بیکاره در کرانه نیل و مدیترانه شاهد رویش‌های انقلاب‌های نوین بودیم؟ یا این سؤال که چرا بعد از حدود چهار دهه از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم، هنوز مکتب ملی‌گرایان، افراطی‌گری و چپ‌گرایی در بعضی جوامع عربی رونق و بارز دارد، ایران چگونه انسجام و قوام یافته و مسیر و راهبردهای تاریخی آن چگونه بوده است، کشورهای کوچک حوزه خلیج فارس توسعه‌ نفتی و اقتصادی را چگونه سرلوحه قرار داده و نسبت به هم حالت رقابتی یافتند، بررسی می‌کنیم سرگذشت مصر که هنوز قلب تپنده تحولات خاورمیانه است با تأمل در حوادث گذشته این سرزمین به‌روشنی می‌توان به راز و رمز مناسبات امروز گروه‌های مؤثر آن پی برد و عوامل ناسازگاری دو جریان نظامیان و سکولارها با اسلام‌گرایان از هم بازشناختن و خاورمیانه مورد بحث من در این یادداشت‌ها بر محور مدار مسئله فلسطین به عنوان زخم دیرین بر پیکر خویش دارد خواهد بود. خاورمیانه جدیدی که اکنون بر آن کام نهاده‌ایم دیگر صرفاً یک شاهراه انرژی یا منبع هیدروکربن نیست، بلکه به معنای واقعی مبدأ شکل‌گیری جهان جدید است.

مهسا مژده‌ی، در میان رهبران اروپایی، پدرو

سانچز، نخست‌وزیر ۵۴ساله اسپانیا، پرچم مخالفت با حمله اسرائیل و آمریکا به ایران را در دست گرفته است. او تنها مقام رسمی اروپایی است که بی‌لکنت از هر تریبونی برای فریاد نه به جنگ استفاده کرده و روابط کشورش را با اسرائیل به‌شدت کاهش داده است. برخی معتقدند پدرو سانچز چپ‌گرا تلاش دارد بر وسواس اسپانیایی‌ها درمورد پیشینه خانوادگی او و شایعاتی درمورد حضور پدربزگش در ارتش بدنام ژنرال فرانکو غلبه کرده و داستان خود را از نو بنویسد.

صراحت اسپانیا در محکومیت جنگ

پدرو سانچز، نخست‌وزیر سوسیالیست اسپانیا، به طور علنی جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران را محکوم کرد و آن را غیر قانونی و خطرناک خواند. سانچز در یک سخنرانی تلویزیونی در تاریخ چهارم مارس گفت که موضع اسپانیا یک «نه به جنگ» صریح است و هشدار داد این درگیری خطر پیامدهای گسترده منطقه‌ای و جهانی را به همراه دارد و خواستار بازگشت به مسیر دیپلماسی شد. سپس به دستور سانچز، اسپانیا حريم هوایی خود را به روی تمام هواپیماهای نظامی ایالات متحده که در عملیات‌های مرتبط با جنگ شرکت داشتند، بست. این اقدام پس از آن صورت گرفت که مادرید پیش‌تر از اجازه استفاده از پایگاه‌های مشترک آمریکا و اسپانیا، مانند روتا و مورون، برای این حملات خودداری کرده بود. رویکرد پدرو سانچز، رهبر حزب کارگران و نخست‌وزیر اسپانیا، رویکردی ناگهانی نیست. او در جنگ غزه هم اسرائیل را به‌شدت بابت جنایت‌های رخ‌داده در نوار غزه شماتت کرد؛ تا جایی که بنیامین نتانیاهو به دلیل امکان دستگیری در پی حکم قضائی بین‌المللی جرئت عبور با سفر به اسپانیا را نداشت. دولت دریشی که در دست حزب کارگر این کشور است، در تمام جنگ‌های دهه‌های اخیر رویکردی مشابه داشته و هرگز از مواضع ضدجنگ خود کوتاه نیامده است.

اسپانیا نگران چیست؟

برای اسپانیایی‌ها مخالفت با جنگ از دو وجه جنبه اساسی دارد. سوسیالیست‌های اسپانیایی، تاریخ پرویمانی از مخالفت با جنگ دارند و به این سنت دیرینه خود افتخار می‌کنند. پس از آنکه ایتالیا هم بعد از مادرید، اعلام کرد شریک جنگ اسرائیل و آمریکا علیه ایران نخواهد بود، مشخص شد مخالفت پدرو سانچز شعارگونه و بی‌اثر نبوده است. در حقیقت اسپانیا با اتخاذ یکی از تندترین مواضع عمومی در اتحادیه اروپا از زمان آغاز درگیری‌ها در ۲۸ فوریه، رهبری پاسخ این قاره به جنگ آمریکا و اسرائیل در ایران را برعهده گرفته و در حال شکل‌دادن به سیاست‌های کلان اتحادیه اروپاست.

اما مسئله فقط بشردوستانه و درمورد اخلاق نیست. اسپانیا درباره خطرات پی‌ثباتی منطقه‌ای، به‌ویژه پتانسیل ایجاد موج‌های جدید مهاجرت، شددار داده است. کشورهای حوزه مدیترانه، ازجمله اسپانیا، تاریخی طولانی در تحمل بار اصلی

ماتادور ضدجنگ

پرچمی که سانچز به دست گرفت



جایه‌جایی‌های انسانی ناشی از درگیری‌ها در خاورمیانه و شمال آفریقا دارند. در سال ۲۰۲۴، نزدیک به ۲۰۸ هزار مهاجر به دلیل درگیری در کشورهایمانند سوریه و یمین از دریای مدیترانه عبور کرده و وارد اروپا شدند. نگرانی‌های مادرید از اینکه جنگ ایران باعث بحران جدید ناهنگدان شود، با تصمیمات قاطع سیاسی همراه شده است.

منوعیت‌های مادرید برای ایالات متحده

طبق گزارش نشریه بلژیکی Army Recognition، محدودیت‌هایی که اسپانیا پیش پای آمریکایی‌ها گذاشته، شامل عملیات‌های تهاجمی، سوخت‌گیری و برنامه‌ریزی پرواز می‌شود و لجستیک نظامی آمریکا بین اروپا و خاورمیانه را پیچیده کرده است. در نتیجه، هواپیماهای آمریکایی مجبور شده‌اند به‌جای کوتاه‌ترین مسیر، دور اسپانیا دور بزنند که منجر به طولانی‌ترشدن مأموریت‌ها، مصرف سوخت بیشتر و کاهش پایگاه‌های واسطه شده است. موضع اسپانیا صریح‌تر از دیگر قدرت‌های اروپایی بوده است؛ کشورهایی که بسیاری از آنها می‌خواهند خود را از درگیری دور نگه دارند، درعین‌حال مراقب هستند دولت ترامپ را به دشمنی برنینگیند. ایتالیا هم استفاده از پایگاه‌های هوایی خود را برای عملیات علیه ایران مسدود کرده، درحالی‌که فرانسه اعلام کرده است هواپیماهای آمریکایی فقط در صورت داشتن مجوز دیپلماتیک قبلی می‌توانند از حريم هوایی این کشور استفاده کنند. می‌توان تا اینجا با اطمینان گفت پدرو سانچز تبدیل به جدی‌ترین چهره غربی ضدجنگ شده است؛ موضوعی که باعث شده برخی ناراضیانی‌های اقتصادی و شایعات فساد مالی، از ذهن اسپانیایی‌ها موقتاً محو شود.

خاطرات تلخی که فراموش نشده‌اند

اسپانیا به‌خوبی به یاد دارد که پس از جنگ عراق و در سال ۲۰۰۴، حمله به پنج ایستگاه قطار در حومه مادرید جان ۱۹۱ نفر را گرفت. مسئولیت آن حمله را القاعده برعهده گرفت و تروریست‌ها بعد از آن دست به انتحار با انفجار خانه‌ای که در آن پنهان شده بودند، زدند. آنها در اعلامیه‌ای حمله را به مشارکت اسپانیا در جنگ عراق نسبت دادند. این خاطره در ذهن‌ها شومعی اسپانیا تمام و کمال باقی مانده است. علاوه بر این خاطرات، تحلیلگران

می‌گویند سانچز اکنون یک دولت اقلیت را رهبری می‌کند و مخالفت با جنگ به عنوان ابزاری برای بسیج جناح چپ علیه اکثریت راست‌گرای پارلمان عمل می‌کند. سانچز تلاش کرده خود را به عنوان صدایی پیشرو در سیاست‌های مترقی جهانی معرفی کند و قصد دارد در ۱۷ آوریل، میزبان رهبران چپ‌گرای جهان در بارسلونا باشد. در این نشست، او در کنار سران کشورهایمانند لوتویژ ایناسیو لولا دا سیلوا (رئیس‌جمهور برزیل) و گوستاوو پترو (رئیس‌جمهور کلمبیا) حضور خواهد داشت.

ترامپ خشمگین خواهد شد؛ اما...

یکی از دلایلی که به پدرو سانچز اجازه داده است تا تمام‌دق علیه جنگ‌طلبی آمریکا و اسرائیل بایستد، وابستگی تجاری و مالی کمتر اسپانیا به ایالات متحده در مقایسه با دیگر متحدان واشنگتن است. تجارت دوجانبه اسپانیا و آمریکا در سال ۲۰۲۵ به ۷۲ میلیارد دلار رسید، درحالی‌که این رقم برای آلمان ۲۷۶ میلیارد دلار و برای بریتانیا ۴۳۴.۶ میلیارد دلار بود. فرانسه هم فقط در هشت ماه اول سال گذشته، ۷۷.۸ میلیارد دلار تجارت با آمریکا را ثبت کرده است. اگرچه ترامپ تهدید به تلافی اقتصادی و قطع تجارت با اسپانیا کرده، اما تحلیلگران می‌گویند این کشور از طریق بازار واحد اتحادیه اروپا محافظت می‌شود؛ چراکه هدف قراردادن یک عضو بدون آسیب‌زدن به کل یک بلوک دشوار است. مسئله دیگری که باید به آن توجه کرد، این است که پدرو سانچز سوسیالیست، موضوع را به‌هیچ‌وجه مقابله با ایالات متحده جلوه نداده است. سانچز می‌گوید دولت و کشورش اصولی دارند که براساس آن قادر نیست تا از جنگی مانند آنچه با ایران رخ داده، حمایت کند. نخست‌وزیر اسپانیا قصد ندارد در مقابل دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، کرنش کند؛ با این حال تلاشی هم برای رویارویی مستقیم و پرتنش با او ندارد. سانچز البته چنین ملاحظه‌ای را در قبال بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، ندارد و او را به دلیل نسل‌کشی در غزه سرزنش می‌کند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد این شجاعت و درعین‌حال احتیاط، از نظر سیاسی به درد پدرو سانچز خورده است. براساس جدیدترین گزارش رویترز، مواضع ضدجنگ نخست‌وزیر اسپانیا باعث افزایش محبوبیت او شده است. نظرسنجی منتشرشده در روز دوشنبه نشان می‌دهد حزب سوسیالیست حاکم اسپانیا به رهبری پدرو سانچز، نخست‌وزیر این کشور، به دلیل مخالفت شدید او با جنگ ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران، در میان رای‌دهندگان محبوبیت بیشتری پیدا کرده است.

بیشتر از جنگ، حزب راست‌گرای بکس (Vox) که از این جنگ حمایت می‌کند، با کاهش آرای عمومی مواجه شده است. تحلیلگران انتظار ندارند تنش دیپلماتیک میان مادرید و واشگتن به شکلی جدی تشدید شود. انتظار می‌رود اسپانیا ضمن ادامه مخالفت با عملیات در ایران، به تعهدات خود در ناتو پایبند بماند. طبق ماده ۵ پیمان ناتو (دفاع دسته‌جمعی)، اگر به قلمرو عضویت یکی از اعضا حمله شود، دیگران باید به دفاع برخیزند و مادرید از این اصل کناره‌گیری نخواهد کرد.

پالس‌های متفاوت کره شمالی برای مذاکره با کاخ سفید

شرق: سازمان اطلاعات کره جنوبی روز گذشته اعلام کرد پیونگیانگ با آزمایش موشک‌ها

در آب‌های شرقی فرود یاباند.

توسعه این جنگ‌افزارها با وجود ممنوعیت‌های صریح شورای امنیت سازمان ملل ادامه دارد.
باین‌حال، پیونگیانگ با درک هزینه‌های سنگین اقتصادی، پالس‌های دیپلماتیک حساب‌شده‌ای به واشنگتن ارسال می‌کند.
کیم جونگ اون در اواخر فوریه شرط آغاز فصل جدید روابط را به‌رسمیت‌شناختن جایگاه هسته‌ای کشورش دانست.
این سیگنال‌ها با هدف حفظ روابط با دونالد ترامپ، پیش از نشست ماه می رئیس‌جمهور آمریکا با شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، طراحی شده است.
در همین راستا، پیونگیانگ رویکردی بسیار محتاطانه در قبال تحولات خاورمیانه و جنگ جاری در منطقه اتخاذ کرده است.
داده‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد از زمان آغاز درگیری‌ها در ۲۸ فوریه، کره شمالی رویکرد قبلی خود در قبال منطقه و آمریکا را تا حدی متوقف کرده است.
ارزایی کره جنوبی این است که فشارهای خردکننده اقتصادی، اختلال در تأمین اقلام صنعتی و جهش نرخ ارز، پیونگیانگ را وادار کرده به دنبال تأمین نفت از روسیه و باز نگه‌داشتن پنجره دیپلماسی با غرب باشد.

گزارش

بازی طالبان با کارت «مبارزه با داعش»

نشست مشورتی طالبان با نمایندگان پنج کشور آسیای میانه شامل تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان در کابل برگزار شد. حکومت طالبان در این نشست کوشید با استفاده از کارت «مبارزه با داعش»، از همسایگان امتیاز امنیتی و دیپلماتیک بگیرد. امیرخان متقی، وزیر خارجه حکومت طالبان، در این نشست که به زبان فارسی سخنرانی می‌کرد، کوشید چهره‌ای ضدتروریستی از ساختار حکومت خود به نمایش بگذارد و گروهش را سد دفاعی منطقه در برابر شاخه خراسان داعش معرفی کند. با وجود این، آمارها و وقایع میدانی روایت دیگری دارند. ترور مقام‌های ارشد طالبان نظیر خلیل‌الرحمان حقانی، وزیر پیشین مهاجرت و داوود زمزل، استاندار پیشین در بلخ، به‌روشنی نشان می‌دهد کابل حتی در تأمین امنیت لایه‌های درونی خود نیز ناتوان مانده است. کشورهای هم‌رز مانند تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان به‌شدت نگران صدور افراط‌گرایی از مرزهای مشترک با افغانستان هستند. متقی با استفاده از این هراس امنیتی، می‌کوشد انزوای دیپلماتیک خود را بشکند و از تهدید داعش به عنوان یک اهرم فشار سیاسی بهره‌برداری کند. او با اشاره به دوهزارو ۳۲۹ کیلومتر مرز مشترک آبی و خشکی با این همسایگان، وعده‌هایی درباره مهار قاچاق مواد مخدر، مهاجرت غیرقانونی و جرائم سازمان‌یافته فرامرزی داد. وزیر خارجه طالبان مدعی شد نهادهای امنیتی آنها تمام عناصر مخرب را دفع کرده‌اند و افزود امروز در مرزهای مشترک هیچ مشکل امنیتی‌ای وجود ندارد. او این نشست را زمینه‌ای برای ترسیم نقشه راه همکاری‌های جامع در عرصه‌های سیاسی، تجاری، ترانزیتی و امنیتی و تغییرات اقلیمی دانست.

اظهارات مقام‌های طالبان در مبارزه با تروریسم در حالی مطرح می‌شود که هم‌زمان با سقوط ولایات افغانستان در سال ۲۰۲۱ و فروپاشی نظام جمهوری، طالبان دره‌ای زندان‌ها را گشود و شمار زیادی از فرماندهان و نیروهای بازداشت‌شده داعش به صفوف عملیاتی بازگشتند؛ رخدادی که تهدیدهای امنیتی را در افغانستان به شکل تصاعدی افزایش داد. در این وضعیت، روسیه تنها قدرتی است که حکومت طالبان را به رسمیت می‌شناسد. از آنجا که کشورهای آسیای میانه روابط نزدیکی با مسکو دارند، این موضوع بر جهت‌گیری آنها برای گسترش روابط با کابل تأثیرگذار است. باین‌حال، تاجیکستان کترین سطح تماس را با حکومت طالبان دارد و تاکنون سفارت افغانستان در دوشنبه را به آنها واگذار نکرده است. دوشنبه از گسترش خطر تروریسم نگران است و طالبان می‌کوشد با بهره‌گیری از همین نگرانی، سند دیپلماتیک تاجیک‌ها را بشکند و به سفارت خود در این کشور دست یابد.